



من طرف نکونام هستم، نه خطیر

# اقبالی: قلعه‌نویی بماند اما کمک‌هایش را تغییر دهد

مهدیه دریابگی

روزنامه نگار

چیزی نزدیک ۱۰ روز از فینال جام ملت‌های آسیا می‌گذرد، اما همچنان این حسرت با ایرانی‌ها همراه است که چطور ملی‌پوشان نتوانستند به سکوی قهرمانی برسند. شکست ژاپن مقابل ایران در پیچه امید را به سوی فوتبالدوستان باز کرد که تیم ملی را در فینال جام ملت‌ها ببیند، اما این اتفاق نیفتاد و در حالی که تیم ملی در مرحله نیمه‌نهایی با میزبان این جام مواجه شد، نتوانست حریف را شکست دهد و در نهایت مثل دوره‌های قبل از رسیدن به فینال جا ماند تا حسرت نرسیدن به سکوی قهرمانی ۵۲ ساله شود.

البته اینکه همچنان در گذشته باقی بمانیم نه دردی را دوا می‌کند و نه می‌تواند مشکل ساز باشد. مهم این است که این بازی‌ها درسی باشد در ادامه راه و جام جهانی که در پیش است. امیر قلعه‌نویی علی‌رغم ناکامی در رسیدن به فینال جام ملت‌ها به دلیل شرطی که در قرارداد خود داشت تا سال ۲۰۲۴ ماندنی شد و از این پس همچنان هدایت تیم ملی با او است، اما آنچه امروز کارشناسان فوتبال به آن اشاره می‌کنند این است که قلعه‌نویی برای دستیابی به موفقیت باید فکری به حال دستیاران خود کند و مربیانی را در کنار خود نگه دارد که مشاوران خوبی برای بازی‌های ملی باشند.

در خصوص عدم موفقیت تیم ملی در قطر و همچنین شرایط ادامه کار با قلعه‌نویی با مسعود اقبالی هم‌کلام شدیم؛ مدرس فوتبالی که در سال ۸۴ در تیم استقلال با قلعه‌نویی کار کرده است و توانایی‌های او را بهتر از هر کسی می‌شناسد. اقبالی دیروز در روزنامه ایران ورزشی میهمان ما بود و دلایل نتیجه نگرفتن تیم ملی در قطر را واکاوی کرد.

پیش از شروع بازی جام ملت‌های آسیا خیلی‌ها بر این باور بودند که

نسل فعلی تیم ملی نسل طلایی است و اگر قرار است ما در بازی‌های آسیایی قهرمان بشویم قطعاً با چنین نسلی قهرمان می‌شویم. نظر شما در این خصوص چیست و علت نتیجه نگرفتن تیم ملی در قطر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید ببینید از چه منظری این نسل را نسل طلایی فوتبال می‌دانستند. به نظر می‌رسد که با نگاه غیرکارشناسانه گفته شده نسل طلایی فوتبال هستند. اینطور باید در مورد شرکت تیم ملی در بازی‌های جام ملت‌ها گفت که یکسری بازیکن خوب بودند، اما دلیل نمی‌شود الان مربی خوبی باشند و به لحاظ فکری به آقای قلعه‌نویی کمک کنند. مربیگری همینطوری نیست و برای اینکه بتوانی دانش فوتبالی خود را به فوتبالیست انتقال دهی نیاز به علم روز دنیا داری. باید خودت را با فوتبال پیشرفته دنیا وفق دهی، چیزی که ما در مربیان کنار قلعه‌نویی ندیدیم. مربیگری این است که تو بتوانی در لحظه تصمیمات درست بگیری و چون فشار زیادی روی سرمربی است قطعاً باید مربیان بزرگی در کنارش باشند که با آنالیز بموقع و درست حریف، این نکات را در لحظه درست به سرمربی انتقال دهند. همان کاری که گواردیولا یا یورگن کلوپ در فوتبال دنیا انجام می‌دهند. کنفدراسیون فوتبال آسیا بعد از بازی‌های آسیایی جدول آماری منتشر کرد که ایران در ضعیف‌ترین سطح ممکن بود. فوتبال پیشرفته دنیا ۲-۴ تاکتیک ۳-۳ مسائل فیزیکی ۴-۴ مسأله روحی و ذهنی. ما نتوانستیم در قطر این چهار فاکتور مهم را رعایت کنیم.

بازی‌های آسیایی تمام شد و ما در فروردین و خرداد ماه سال آینده چهار بازی در مرحله مقدماتی جام جهانی خواهیم داشت. چه کاری باید برای آن بازی‌ها انجام دهیم؟

شما شک نکنید که ما در آن بازی‌ها مقابل ازبکستان و تاجیکستان هم به مشکل می‌خوریم. در جام ملت‌ها مشخص شد که تیم‌ها خیلی پیشرفت کردند و برنامه‌ریزی درستی داشتند. ای‌کاش ما برای این بازی‌ها دست به جوانگرایی در تیم ملی بزنیم. شما نگاه کنید در بازی‌های آسیایی بازیکنانی مثل طارمی چقدر اشباع شدند! چقدر این بازیکنان اشتباه داشتند! بهتر نیست در چنین شرایطی به جوانها شرایط بازی کردن بدهیم و قطعاً با انگیزه‌ای که دارند، بهتر نتیجه می‌گیرند. اما من فکر می‌کنم قلعه‌نویی به دلیل انتقاداتی که شد چهار جوان دعوت می‌کند اما به صورت سلبیک و به آنها بازی دست به تغییر زدم. البته این را هم بگویم ما در بازی‌های آسیایی برنامه تاکتیکی خاصی نداشتیم و به نظر من برد مقابل ژاپن هم بر اثر خلأقت خود بازیکنان و تفکر آنها به وجود آمد.

چطور؟

مربی باید در رختکن حرفی برای گفتن داشته باشد. تمام مربیان بزرگ دنیا در رختکن تمام نکات را به بازیکنان خود گوشزد می‌کنند. به

نسل طلایی فوتبال ما نبود.

شما در صحبت‌های خود اشاره داشتید به کمک‌های ضعیف قلعه‌نویی. پیش از این مسابقات هم خیلی‌ها به نیمکت شلوغ و البته کم بار(به لحاظ فنی) انتقاد داشتند.

من حرفم این است چرا الهویی باید کمک اول قلعه‌نویی باشد و در کنار او کار کند. الهویی یک آنالیزور است و باید در نقش همان آنالیزور به کار خود ادامه دهد. هیچ کس ندیده ایشان فوتبال بازی کند! سایر کمک‌های قلعه‌نویی هم همینطور هستند. شاید در گذشته فوتبالیست خوبی بودند، اما دلیل نمی‌شود الان مربی خوبی باشند و به لحاظ فکری به آقای قلعه‌نویی کمک کنند. مربیگری همینطوری نیست و برای اینکه بتوانی دانش فوتبالی خود را به فوتبالیست انتقال دهی نیاز به علم روز دنیا داری. باید خودت را با فوتبال پیشرفته دنیا وفق دهی، چیزی که ما در مربیان کنار قلعه‌نویی ندیدیم. مربیگری این است که تو بتوانی در لحظه تصمیمات درست بگیری و چون فشار زیادی روی سرمربی است قطعاً باید مربیان بزرگی در کنارش باشند که با آنالیز بموقع و درست حریف، این نکات را در لحظه درست به سرمربی انتقال دهند. همان کاری که گواردیولا یا یورگن کلوپ در فوتبال دنیا انجام می‌دهند. کنفدراسیون فوتبال آسیا بعد از بازی‌های آسیایی جدول آماری منتشر کرد که ایران در ضعیف‌ترین سطح ممکن بود. فوتبال پیشرفته دنیا ۲-۴ تاکتیک ۳-۳ مسائل فیزیکی ۴-۴ مسأله روحی و ذهنی. ما نتوانستیم در قطر این چهار فاکتور مهم را رعایت کنیم.

بازی‌های آسیایی تمام شد و ما در فروردین و خرداد ماه سال آینده چهار بازی در مرحله مقدماتی جام جهانی خواهیم داشت. چه کاری باید برای آن بازی‌ها انجام دهیم؟

شما شک نکنید که ما در آن بازی‌ها مقابل ازبکستان و تاجیکستان هم به مشکل می‌خوریم. در جام ملت‌ها مشخص شد که تیم‌ها خیلی پیشرفت کردند و برنامه‌ریزی درستی داشتند. ای‌کاش ما برای این بازی‌ها دست به جوانگرایی در تیم ملی بزنیم. شما نگاه کنید در بازی‌های آسیایی بازیکنانی مثل طارمی چقدر اشباع شدند! چقدر این بازیکنان اشتباه داشتند! بهتر نیست در چنین شرایطی به جوانها شرایط بازی کردن بدهیم و قطعاً با انگیزه‌ای که دارند، بهتر نتیجه می‌گیرند. اما من فکر می‌کنم قلعه‌نویی به دلیل انتقاداتی که شد چهار جوان دعوت می‌کند اما به صورت سلبیک و به آنها بازی دست به تغییر زدم. البته این را هم بگویم ما در بازی‌های آسیایی برنامه تاکتیکی خاصی نداشتیم و به نظر من برد مقابل ژاپن هم بر اثر خلأقت خود بازیکنان و تفکر آنها به وجود آمد.

همین دلیل است نیمه دوم به نیمه مربیان معروف است. اما فکر می‌کنید قلعه‌نویی در رختکن چه چیزی دارد که به بازیکنان بگوید. به همین دلیل است که می‌گویم در بازی با ژاپن خود بازیکنان خط میانی حریف را بستند و در نهایت منجر به نتیجه گرفتند.

از طرز صحبت‌های شما این برداشت را می‌توانیم بکنیم که خیلی راغب به ادامه کار با آقای قلعه‌نویی نیستید.

ما پول نداریم که مربی خارجی بیاوریم. فدراسیون نمی‌تواند به دلیل بی‌پولی مربی خارجی بیاورد و مجبور هستند مربی ایرانی داشته باشند. آقای قلعه‌نویی خوب است که باشند، اما باید تجدید نظری در خصوص کمک‌های خود بکنند.

نظرتان این است که دستیار خارجی بیاورند.

نه دستیار ایرانی هم باشد مشکلی نیست، اما قطعاً دستیار ایرانی قوی. همان‌طور که گفتیم چرا باید شخصی مثل الهویی دستیار اول قلعه‌نویی باشد؟! ایشان باید در وهله اول دستیارانش را تغییر دهد. در وهله دوم هم باید جوانگرایی کند. قلعه‌نویی باید قدرت ریسک خود را بالا ببرد و به جوان‌ها اعتماد کند. بازیکنان جوان خوبی در سطح لیگ داریم. نیاز است که چند وقتی این بازیکنان را زیر نظر

## این نسل نسل طلایی فوتبال نیست

بگیرد و بهترین‌ها را به اردوی تیم ملی دعوت کند.

به عنوان شخصی که با استقلال هم در یک دوره کار کردید شرایط فعلی این تیم را چطور می‌بینید؟ این روزها خطیر و نکونام باز هم اختلاف دارند و این باعث نگرانی هواداران استقلال شده است.

نکونام جوهره این فوتبال است. من مشکل را در مدیریت می‌دانم. اگر قرار باشد طرف کسی باشم، قطعاً طرف نکونام هستم.

استقلال صدرنشین است و خوب نتیجه گرفته اما به نحوه بازی این تیم انتقادات زیادی می‌شود. نظر شما در این خصوص چیست؟

هیچ تیمی در لیگ ما شبیه سپاهان فوتبال بازی نمی‌کند. سپاهان به لحاظ بازی از همه تیم‌ها قشنگ‌تر بازی می‌کند. اما استقلال آشفنگی تاکتیکی دارد.

استقلال باید پنجشنبه به مصاف تیم ملوان برود. نظرتان در خصوص این بازی چیست؟

ملوان پدیده این لیگ بوده است. از پشتوانه بازیکن خوبی برخوردار است و قطعاً کار استقلال در انزلی مشکل است. استقلال باید بداند با حریف سرسختی روبه‌رو است و از این لحاظ باید با آمادگی روحی به مصاف شاگردان راتار برود.

### سؤال پاشازاده از مدیران استقلال

## چرا هیأت مدیره به دعوی خطیر و نکونام ورود نمی‌کند؟

مهدی پاشازاده، پیشکسوت استقلال معتقد است که استقلال با همان روش همیشگی نفت را برده است: «استقلال همان شرایط قبل را داشت و توانست سه امتیاز را بگیرد. این تیم رو به جلو بازی کرد و روند قبلی‌اش را پیش برد. درست است که استقلال با این پیروزی حاشیه امنیت پیدا کرد، ولی آنچه اهمیت دارد این است که تیم کار خودش را درست انجام داده و بتواند روند فعلی را ادامه دهد.» پیشکسوت استقلال در عین حال براین باور است که تمام بازی‌ها در نیم فصل دوم فینال گونه است: «همه بازی‌ها برای این تیم سخت است و تیمی امتیاز جمع می‌کند که باهوش‌تر عمل کند و تمرکز زیادی داشته باشد. استقلال باید در این دو بازی پیش رو باهوش عمل کند.» اما بحث روز استقلال به دعوی خطیر و نکونام مربوط است. پاشازاده می‌گوید: «این اتفاقات صورتی خوشی ندارد و کسی هم راضی نیست. اختلافات موجود می‌تواند برای استقلال مضر باشد، ولی ما نمی‌توانیم قضایای داشته باشیم. نکونام لیستی داده است و باشگاه باید برای هواداران شفاف‌سازی کند که روند جذب یا عدم جذب نفرت‌مورذنظر او چطور بوده است. منطقی نیست اختلاف‌ها به رسانه‌ها کشیده شود. از اول فصل این اختلاف‌ها وجود داشت و تعاملی بین این دو نفر نبوده است.» پاشازاده در نهایت به اهمیت دخالت هیأت مدیره استقلال اشاره کرد: «استقلال هیأت مدیره دارد و هیأت مدیره برای این روزهاست که اعضای آن بنشینند اختلاف‌ها را حل کنند و ببینند مشکلات چیست. هیأت مدیره باید در این شرایط خودش را نشان دهد، ولی نمی‌دانم چرا اعضای آن به اختلاف بین مدیرعامل باشگاه و سرمربی تیم ورود نمی‌کنند.»



فرمول تازه موفقیت در استقلال؛ دعوا کن و قهرمان شو!

## چه جنگ داخلی فرخنده‌ای!

وصال روحانی

روزنامه نگار

دعواهای مکرر علی خطیر و جواد نکونام ظاهراً به مذاق استقلال خوش نشسته است زیرا این تیم بدون تأثیرپذیری از این جدل‌ها، اسبش را برای کسب عنوان قهرمانی در فصل جاری لیگ برتر فوتبال کشور به طرز چشمگیری زین کرده است.

این تیم جمعه شب نیز با پیروزی ولو پرزحمت ۱-۰ مقابل صنعت نفت در ورزشگاه خالی از جمعیت آزادی تهران برتری‌اش را بر نزدیک‌ترین تعقیب‌کنندگان خود (سپاهان و پرسپولیس) به ترتیب به ۴ و ۵ پوئن افزایش داد و اگرچه تیم اسفهان‌نی یک بازی کمتر انجام داده اما آبی‌های تهرانی چنان کم‌خلل پیش می‌روند و امتیاز می‌اندوزند که رسیدن رقبایشان به آنها کاری بسیار سخت نشان می‌دهد. از یک سو سپاهان هنوز درگیر مبارزه‌اش با الهلال عربستان در لیگ تا اطلاع ثانوی می‌گیرد و از جانب دیگر پرسپولیس پس از جدایی یحیی گل‌محمدی، سرمربی قبلی‌اش و سکاندار شدن اوسمار ویرا دستیار برزیلی یحیی کارایی قبلی‌اش را از دست داده و به وضوح همان پرسپولیس قبلی نیست. نشانه آشکار این نزول، شکست‌های متوالی پرسپولیس در سه دیدار اخیرش بوده که دو تای اول در مسابقاتی دوستانه برابر شباب الاهلی امارات و آریو اسلام‌شهر از لیگ دسته اول کشور گرفت و سومی روز پنجشنبه گذشته در دیداری رسمی در اراک در شروع نیم فصل دوم لیگ برتر فوتبال کشور که سرخ‌ها با یک گل تسلیم آلومینیوم شدند و چه چیزی از این گویاتر که قرمزها در این سه بازی حتی قادر به زدن یک گل هم نشدند.

### این مجادله «آمد» داشته است

مجادله کلامی و دوئل رفتاری مدیرعامل استقلال و سرمربی این تیم در فصل جاری چنان بارز و شدید بوده که حتی افراد بسیار دور از باشگاه و آگاهی هم که دستی بر آتش فوتبال ندارند، از آن مطلع شده‌اند اما عجیباً که به مرور زمان هر چه شعله این رویارویی شدیدتر شده و دعواها بالاتر گرفته، توفیق‌های تیم استقلال در صحنه مسابقات هم بیشتر شده و این باور غریب ولی توأم با واقعیت به وجود آمده که: اگر خواهان موفقیت و قهرمانی هستی، هر چه بیشتر و هر چه طولانی‌تر دعوا کن و باشگاهت را به صحنه یک جنگ داخلی بزرگ و اسفبار تبدیل کن! این بی‌گمان از عجیب‌ترین فرمول‌های قهرمانی در ورزش فوتبال (یا هر ورزش دیگری) است و اگرچه نمی‌توان اجرای آن را به هر تیم دیگر خواهان موفقیت توصیه کرد. اما حداقل قضیه این است که دعواهای ادامه‌دار علی خطیر و جواد نکونام در استقلال که از زمان روی کار آمدن نکونام (در تیرماه امسال) شروع شد، برای این باشگاه واقعاً «آمد» داشته و به واقع سبب‌ساز اصلی توفیق‌هایشان بوده است!

### توجیهی کافی بر هرگونه حاشیه‌سازی

نگاهی به کارنامه درخشان استقلال در ۱۶ هفته‌ای که از شروع لیگ بیست و سوم می‌گذرد، سند بی‌قید و شرط صحت ادعای فوق و نشانه‌های واضح از جواب دادن فرمولی است که از آن یاد کردیم. آبی‌ها در عین جهت‌گیری‌های آشکار مدیرعامل و سرمربی‌شان و حرف‌های تند و نکونام در رسانه‌ها علیه خطیر زده، در ۱۶ مسابقه خود فقط یک باخت را متحمل شده و به ۵ برد و ۵ خنثی دست یافته‌اند. این تیم فقط ۹ گل خورده که عنوان بهترین خط دفاعی فصل را به آنها اختصاص می‌دهد و تفاضل گل «+۱۵» این تیم دومین تفاضل برتر لیگ بعد از تفاضل «+۱۸» سپاهان است. مهم‌تر از همه اینها اینکه مجادلات مدیریتی و رویارویی سرمربی و مدیرعامل موجب به هم خوردن تمرکز نکونام روی مسائل فنی تیمش نشده و او قریباً در تمامی بازی‌های استقلال این تیم را به شکلی درست و متمرکزتر رنج کرده و اگرچه مثل همیشه رویکردهای دفاعی او بر تمایلهای تهاجمی‌اش چربیده و بیشتر با سیستم «دفاع و ضدحمله» نتیجه گرفته اما کارش را به پیش برده است. در فوتبال و هر ورزش دیگری این یک رسم رایج است که تا وقتی برنده‌ای و تیمت در صدر نشسته، هیچ هواداری خرده نمی‌گیرد و اکثر آنها برایت هورا می‌کشند و کاری به تاکتیک انتخابی‌ات و اینکه دفاعی است یا تهاجمی، ندارند. با این نگرش می‌توان گفت که هواداران به مربیان و مدیران تیم دلخواه‌شان مجوز هر کار و حتی دعوی داخلی و حاشیه‌سازی‌های شدید را هم می‌دهند اما فقط تا زمانی که تیم برنده است و به سوی خط پایان و سکوی قهرمانی پیش می‌تازد.

### هر چه دل تنگت می‌خواهد، بگو

اهمیت موضوعات فوق و صحت فرمول مذکور را ظاهراً خطیر بسیار بیشتر و بهتر از نکونام درک کرده زیرا او در پاسخ به افراد مختلف از جمله خبرنگارانی که به دفعات پرسیده‌اند آیا خیال جابجایی به اظهارات آتشین و انتقادهای دائمی سرمربی باشگاهش را ندارد، همیشه گفته است: «از نظر من هیچ ایرادی ندارد. آقای نکونام مادامی که تیم را به پیروزی می‌ساند و در صدر جدول نشاند، مختار است هر انتقادی که از من دارد، مطرح کند و هر چه می‌خواهد بگوید و من هرگز حرفی در نفی او نمی‌زنم. او شایانه روز علیه من بگوید، ولی تیم را قهرمان کند.» یا چنین فضا و با پس‌زمینه‌ای از این دست استقلال خود را برای بازی بعدی‌اش در لیگ برتر که روز پنجشنبه (۳ اسفند) مقابل ملوان در انزلی است، آماده می‌کند و لابد همه اعضا و دوستداران استقلال آرزو می‌کنند که دو طرف مجادله تا آن روز چندین و چند بد و بیراه تازه علیه یکدیگر بگویند زیرا می‌تواند برحسب آنچه تاکنون رخ داده، مقدمه پیروزی بعدی آبی‌ها و قدمی دیگر در راه رسیدن آنها به قهرمانی باشد. فقط می‌توان گفت: چه جنگ داخلی فرخنده و پرتمیزی!

